...ادامه از صفحه قبل

۱۷. چند رساله متفرقه در فقه و فلسفه و...

در اندیشه تقریب مذاهب

مرحوم توفیق چنانکه قبلاً هم گذشت، عالمی روشن‌بین بود. جمود فکری نداشت و تعصبی هم اگر می‌ورزید، نسبت به معارف الهی و غیرت دینی‌اش بود. اگر اثری نیک در زمینه معارف و شریعت منور اسلام می‌دید، حتی اگر نویسنده‌اش غیرشیعی بود، آن را می‌ستود و حتی یکی از آثار ایشان، ترجمه کتابی از اندیشمندان عامه است. وی همچنین از طرفداران تقریب مذاهب بود. مسلکی نیک و مشربی خوش که مایه نفی تفرقه و بسترساز اتحاد جهان اسلام در راستای مقابله با دشمنان دین است. در سال ۱۳۱۷ ش علامه شیخ محمدتقی قمی رحمه‌الله که از علمای تهران بود، در مصر دارالتقریب بین المذاهب‌الاسلامیه را تأسیس کرد. بزرگان جهان اسلام از جمله آیت‌الله‌العظمی بروجردی، علامه سید شرف‌الدین عاملی، شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، علامه محمدصالح سمنانی و بسیاری دیگر از فرزانگان جهان اسلام رحمهم‌الله آن را تأیید و پشتیبانی کردند. یکی از خدمات این مجموعه انتشار مجله‌ای بین‌المللی با نام رسالة الاسلام است.

مرحوم توفیق یزدانی، وقتی بر اهداف دارالتقریب مطلع شده و از انتشار مجله نیز آگاه می‌گردد، نامه‌ای را خطاب به مجله مزبور نوشته و در ابتدای آن، از تفرقه جهان اسلام و غربت اسلام ناله سر داده و گلایه می‌کند و با مقایسه اسلام و مسیحیت، از روش‌های مسیحیان در راه نشر مکتب باطل خویش سخن گفته و از عدم اجتماع مسلمانان و تفرقه آنان ابراز ناراحتی می‌کند و می‌افزاید که باید قوای نظامی را به حکم آیه شریفه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه» تقویت کرد؛ اما مهمتر از آن قوه بیان است و «این قوه با روحانیین هر ملت است» و تفکیک و جدایی بین دو قوه، سر آغاز حرکت جامعه اسلامی از قله ترقی به دره تنزل خواهد بود. وی نهایتاً تقریب مذاهب را یک «مسلک مقدس» نامیده و وجود مجله رسالة‌الاسلام را «بسیار مفید و مغتنم» شمرده و آرزوی توفیق، تأیید، بقا و ثبات آن را دارد. نکته قابل توجه اینکه مرحوم توفیق قبل از آمدن آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله به قم در اندیشه تقریب بوده و ایشان تمرکز بر تقریب مذاهب را پس از مشرف شدن به شهر مقدس قم، بیشتر در نظر داشتند. اگرچه این اندیشه سابقه طولانی‌تری داشته؛ مثلاً آخوند خراسانی رحمه‌الله که در طبقه اساتید مرحوم توفیق بوده است، در زمان مشروطه، فتوای وجوب اتحاد مذاهب اسلامی را صادر کرده بود.

۱۸. نامه‌های توفیق به نصیرالدوله: ایشان در زمان مدیریت مدرسه توفیق نامه‌های زیادی به وزارت معارف و وزیر آن مرقوم نموده‌اند که حاوی مطالب مختلفی شامل گزارشات مدرسه، اوضاع و احوال فرهنگی و آموزشی آن دوران، پیشنهاداتی راجع به بهبود کیفیت آموزشی مدارس و... می‌باشد که نشان از اندیشه بلند، مترقی که همراه با حفظ دیانت دانش‌آموزان و تقویت روحیه وطن‌خواهی آنان می‌نموده است. تعداد این نامه‌ها ۴۰ عدد و عمدتاً مربوط به اواخر دوره قاجار می‌باشد.

• ویژگی‌ها

ایشان ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشت. در عین اینکه عالم، شاعر، خطاط و هنرمند بود، مدرسه‌ای را نیز در زمان قاجار تأسیس و مدیریت کرد و در عین حال، امام جماعت و سخنران نیز بود و هم‌چنین در حوزه علمیه تدریس داشت و این جهات متنوع و مختلف، در کمتر شخصیتی تجمیع می‌شود.

مرحوم توفیق عالمی با معنویت، اندیشمندی بزرگ و چهره‌ای فرهیخته و روشن‌فکر بود. از اجتماع، سیاست و مظاهر تجدد غافل نبود و تلاش داشت، نه با عزلت که با ورود در اجتماع، در مسیر اصلاح و ترقّی جامعه و تربیت نسل آینده‌ساز، گام بردارد.

از توطئه‌های استعمار آگاه بود و از همان جوانی به سیاست‌های ضداسلامی و ضدایرانیِ انگلیس، بدبین بود.

او همچنین از همراهان و دوستان عالم مجاهد مرحوم آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی به‌شمار می‌رفت که ایشان بر برخی از آثار مرحوم علامه توفیق یزدانی تقریظ نگاشته و فضل و دانش و ادب او را ستوده و او را «فاضل فرزانه و دانشمند یگانه و ادیب اَریب و عالم لبیب الذی بالتمجید حقیق» خوانده‌اند.

در عین حال او از شهرت بسیار گریزان بود و دلیلش نیز عدم چاپ آثارش در زمان حیاتش بوده است. البته دو کتاب فلسفة‌الحجاب و اخلاق توفیق وی چاپ شده که آن هم به‌خاطر شرایط خاص اجتماعی بوده است. اولی به‌خاطر مسائل دینی – سیاسی جامعه و دوّمی هم، به‌خاطر آموزش نونهالان و جوانان مدارس کشور بوده است.

• ارتحال

این عالم ربانی که به‌سان پدرِ علامه‌اش خطی نیک داشت و از این هنر فاخر، حظّی بسیار برده بود، آخرین برگ‌های حیات دنیوی‌اش را با خطی زیبا به رنگ عبادت و تحقیق نگاشت و آخرالامر در آذرماه سال ۱۳۲۳ش برابر با ۱۳۶۳ق دیده از جهان فروبست و به دیدار معبودش شتافت.

پیکر پاکش پس از تکفین و تشییع، در میان حزن و اندوه بستگان، شاگردان و اردتمندانش، به باغچه طوطی واقع در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام در شهرری منتقل و جهانی از علم و ادب، فضل و دانش و هنر، رخ در نقاب خاک کشید. نماز بر پیکر وی بنا بر وصیّتش توسط مرحوم آیت‌الله سیدجعفر دین‌پرور دربندی خوانده شد که بر اساس دومین وصیت‌نامه مرحوم توفیق، وصیّ ایشان نیز بود.

بعد از فوت ایشان، استاد احمد گلچین معانی، از شاگردان مرحوم توفیق، در رثای او شعری می‌سراید که بر سنگ مزار اولیه ایشان حک شده بود.

عالم مجاهد علامه توفیق یزدانی، به‌سبب انس با معارف اسلامی از جمله کلام‌الله مجید و نهج‌البلاغه روحیه‌ای مردمی، عدالت‌طلب، استبدادستیز و ضداستعماری داشت. وی که از دوستان و مراودان علمای مبارزی همچون شهید مدرس، آیت‌الله کاشانی و علامه میرزا طاهر تنکابنی – از تبعیدشدگان به کاشان توسط رضاشاه– بود، عقیده داشت که از رموز رستگاری ملت ایران و جوامع اسلامی، کاهش و زوال استبداد و دیکتاتوری داخلی است. چنان‌که نفوذ استعمار و فرهنگ غرب را از عوامل افول و انحطاط بلاد اسلامی از جمله ایران می‌دید؛ لذا در نوشته‌ها و اشعار خود، به نقد استبداد داخلی و قبح غرب‌زدگی و آفات استعمار می‌پرداخت.

• از دیدگاه مرحوم استاد فلسفی

واعظ شهیر، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ محمدتقی فلسفی در کتاب خاطرات خود درباره ایشان چنین می‌نویسند:

«در زمان کودکی من، به وزارت آموزش‌وپرورش، «وزارت معارف» می‌گفتند که خیلی هم وسیع و دامنه‌دار نبود. در نزدیک منزل ما دبستانی بود به‌نام «دبستان توفیق». این دبستان مدیر بسیار بزرگوار و شریفی به‌نام آقا شیخ محمدرضا توفیق داشت. من هر وقت به یاد او می‌افتم، برایش طلب رحمت می‌کنم. او مردی درس‌خوانده، باایمان، بافضیلت و شایسته بود. شش سالم که تمام شد، به آن مدرسه رفتم. پس از شش‌سال که در آنجا تحصیل کردم، گواهی‌نامه‌ای به ما دادند که عکس شیر و خورشید داشت.

آقا شیخ محمدرضا زیاد مراقب مدرسه و اخلاق بچه‌ها بود؛ به‌طوری‌که امکان نداشت، بچه‌ای پشت‌دستی به دیگری بزند یا کاغذ بچه دیگری را پاره کند یا اذیتی به او برساند. او مراقبتش را به‌نحو مخصوصی القا می‌کرد تا بچه‌ها مواظب باشند و حرکت ناشایستی از خود بروز ندهند. او در صفِ بچه‌ها قسم‌هایی یاد می‌کرد که ما تصور می–کردیم، شدیدترین قسم‌هاست و او با تأکید بر آن قسم‌ها، می‌خواهد بگوید اگر بچه‌ای تخلّف کند، کیفر خواهد دید؛ ولی آنچه او می‌گفت: قسم نبود؛ بلکه جملات و القابی بود که او روی موازین شرعی درست کرده بود تا نام خدا را نبرد. هیچ بچه‌ای هم معنی آن را نمی‌فهمید.

یک چوب‌دستی به دست می‌گرفت، بچه‌ها را به‌صف می‌کرد و می‌گفت: «به حدّاد کعبه، سنگ به رودخانه خدا انداخته باشم، زیر دیگ امام حسین علیه‌السلام را سوزانده باشم که اگر بچه‌ای تخلف کند، چنین و چنان خواهم کرد.» خوب می‌دانیم که «حدّاد کعبه» همان آهنگر است، «سنگ انداختن به رودخانه خدا» هم نکته خاصی در بر ندارد؛ چون همه رودخانه‌ها از آن خداست. «زیر دیگ امام حسین علیه‌السلام را سوزاندن» هم همان پلو پختن برای فقراست؛ اما او اینها را با ژستی می‌گفت که فوق‌العاده مؤثر بود و بچه‌ها گمان می‌کردند، اینها بزرگ‌ترین قسم‌هاست و لذا حساب کار را داشتند و دست از پا خطا نمی‌کردند!

این به یک معنی، نوعی مدیریت بود؛ زیرا او نه خود را به قسم‌گویی آلوده می‌کرد و حریم مقدس الهی را تنزّل می‌داد و نه به‌طور عادی صحبت می‌کرد که بچه‌ها جرأت و تصور مخالفت بکنند. او بچه‌ها را این‌طور تربیت کرده بود و همه مرتب و منظم بودند. علاوه بر این، چند تا از بچه را انتخاب کرده بود و بعضی از آیات قرآن را برای آنها تفسیر می‌کرد و می‌گفت: هفته‌ای یک آیه را حفظ کنید. یکی از آنها من بودم که آیاتی از اول قرآن را حفظ کردم و هنوز هم، آن آیات را در حافظه دارم.

در مدت شش‌سالی که من و برادرم در آن مدرسه بودیم، خواندن و نوشتن را آموختیم و مقداری اطلاعات به دست آوردیم. وقتی تحصیلات دبستانی ما تمام شد، می‌بایست وارد تحصیلات صرف و نحو و مقدمات علوم دینی می–شدیم. در آن موقع مرسوم بود که از امثله و صرف را شروع می‌کردند و ما هم به‌همان روال رفتیم. بعضی‌ها تصور می‌کنند که علما در آن زمان با رفتن فرزندان‌شان به مدارس دولتی، مخالفت می‌کردند. نه، این‌طور نبود که با مطلق مدارس دولتی مخالف باشند.

مرحوم آقا شیخ محمدرضا توفیق که مدرسه توفیق را داشت، عمامه به سر و مورد اعتماد همه علمای محل بود. آقایان علمای آن محل، همه به او در نماز اقتدا می‌کردند. به‌همین جهت چون پدرم این را می‌دانست و او را می‌شناخت، به اتکای جنبه‌های معنوی و فضیلت او، مرا به آنجا فرستاد. از هم‌شاگردی‌های آن مدرسه، فقط برادرم مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم را به یاد دارم.»

• آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور

ایشان در کتاب خاطراتشان آورده‌اند: منزل پدربزرگ مادری ما دارای سه حیاط: بیرونی، اندرونی و حیاط خلوت بود. در بیرونی این خانه، کتابخانه معظمی بود که دانشمند ادیب، آقا شیخ محمدرضا توفیق یزدانی رحمه‌الله پدرِ مرحوم مادرم در آن زندگی می‌کرد. شخصیت عجیبی داشت، او بود و کتاب‌هایش، او بود و خط زیبایش، او بود و اشعار و تألیفاتش... .

آنچه از آن مرد بزرگ به یاد دارم سیمای نورانی و تکیده اوست در کنار کتابخانه غنی و خط بسیار خوش و زیبای او، مرحوم والده‌ام می‌گفت ایشان به نوه‌های سیدخود بسیار علاقه‌مند بود و مکرر سفارش تعلیم و تربیت آنها را به ما متذکر می‌شد.

از این عالم ربانی، دست خط بسیار زیبایی که به یادگار مانده است، علاقه‌شان را نسبت به بنده در تاریخ تولدم این‌گونه ابراز داشته‌اند:

اذا وُلِدَ المَـولُودُ من آل هـاشم لقد زَیِدَ فی اَهلِ المَکارِمِ واحِدِ

ولادت با سعادت آقا جمال‌الدین دین‌پرور روز شنبه پنجم محرم‌الحرام سنه ۱۳۵۸ مقارن طلوع الفجر، انشاءالله با سلامیت بدن و صحت مزاج به‌کمال پیری و سعادت نائل گردد.

اللّهُمَّ احفظه و سلمه من الافات و العاهات و اجعل عاقبه امره خیرا بمحمد و آله الامجاد.

حرره الفقیر الاثم الجانی محمدرضا توفیق الیزدانی تاریخ ۱۴ شهر فوق

• غربت توفیق

این مطلب جای شگفتی و البته تأسف دارد که شخصی در متن جامعه حضور فعال داشته و خدمات علمی، دینی و اجتماعی فراوانی از خود بر جای نهاده و در روزگار خویش در میان بزرگان دین، سیاست و فرهنگ معروف بوده و مدرسه‌ای آباد و بانشاط که محل تحصیل افراد فراوانی از فرهیختگان آینده ایران بوده، این‌چنین گمنام و ناشناخته باشد که نویسندگان اظهار بی‌اطلاعی از احوال وآثار او می‌نمایند؛ لذا ضروری و شایسته است که غبار غربت از تارک منیر و خدمات خالصانه و صادقانه و ارزنده این شخصیت بزرگوار و فداکار زدوده شود.

• وصیت‌نامه

ایشان دو وصیت‌نامه نوشته است که اکنون موجود است: ۱. وصیت‌نامه اول ایشان که به سال ۱۳۵۰ق مطابق با ۱۳۱۰ش نوشته شده است، به خط نستعلیق بسیار زیبا. ۲. وصیت‌نامه دوم، به سال ۱۳۲۳ شمسی که وصایای بسیار زیبایی دارد.

بانو مرضیه توفیق یزدانی، دختر ایشان هستند که در سال ۱۲۸۸ش متولد و در سال ۱۳۰۷ش تصدیق رسمی دوره دوم متوسطه نسوان را با امضای مدیره مدرسه (مادام هس) و وزیر معارف (نصیرالدوله) اخذ می‌کنند. وی در سال ۱۳۱۴ش با آیت‌الله حاج سید مهدی دین‌پرور ازدواج کرده و در سال ۱۳۲۶ش به‌همراه خانواده از تهران به قم مهاجرت و پس از ۱۰ سال مجدداً به تهران برمی‌گردند و عاقبت در سن ۸۷ سالگی درسال ۱۳۷۵ش رحلت و در باغچه طوطی شهرری در کنار پدر خویش آرمید. وی که دارای دیپلم دارالمعلمات از مدرسه فرانسوی تهران بود، سالیان متمادی مدیریت مدرسه دخترانه نرجس وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی را به عهده داشت. جناب آقای حاج محمود لولاچیان که از اخیار تهران هست، نقل می‌کند که مرحوم آقای علامه کرباسچی، مؤسس مدارس علوی، روزی به بنده گفت: برای مدرسه دخترانه نرجس، تنها یک نفر است که می‌تواند مدیر آنجا باشد و آن هم، خانم توفیق یزدانی است که ما هم از ایشان دعوت کردیم و سالیان متمادی در آن مدرسه، مدیریت و تدریس اثرگذار و تحسین‌برانگیزی داشت.

مرحوم توفیق که دختر خود را در سطح بالای تعلیم و تربیت قرار داده بود و در آن روزگار که تحصیل و کسب علم دختران، به هیچ‌وجه رایج نبود، فرزند خود را پس از تحصیلات مقدماتی به دارالمعلّمات که تنها مدرسه عالی دختران بود، فرستاد و پس از آن، نزد پدر دانشمند خود به تکمیل ادبیات فارسی، عربی و فرانسه پرداخت و از اوقات جوانی بهره وافی برد. او بعد از فراغت از تحصیل، در همان مدرسه و مدارس دیگری، سال‌ها به تدریس اشتغال داشته که البته بعد از کشف حجاب از تدریس منع شد.

• گزیده‌ای از منابع

۱. آثارالحجّه، محمد شریف رازی؛
۲. اختران فروزان ری و طهران، محمد شریف رازی؛
۳. اخلاق توفیق، محمدرضا توفیق یزدانی؛
۴. پژوهشی در احوال و اسناد سید جلال‌الدین طهرانی، نایب‌التولیه و واقف آستان قدس رضوی، زهرا طلایی؛
۵. ترجمه کتاب فلسفة‌الحجاب فی وجوب‌النقاب، محمدرضا توفیق یزدانی؛
۶. حدیث نصر، خاطرات فقیه مجاهد مرحوم آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی، سیدحسین کشفی؛
۷. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهیه و تنظیم: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛
۸. در کوچه و خیابان، دکتر عباس منظرپور؛
۹. دیوان اشعار، محمدرضا توفیق یزدانی؛
۱۰. الذریعة إلی تصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ طهرانی؛
۱۱. ستارگان درخشان شمیران، سیدمحسن دین‌پرور؛
۱۲. طبقات اعلام‌الشیعه، نقباء البشر فی‌القرن الرابع عشر، شیخ آقابزرگ طهرانی؛
۱۳. کیهان فرهنگی، سال هشتم، بهمن ۱۳۷۰ش، شماره ۸؛
۱۴. گلشن ابرار بانوان، شرح حال بانوان عالمه مذهب تشیّع، محمدعلی نجفی کرمانشاهی؛
۱۵. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی؛
۱۶. لطائف‌الطوائف، فخرالدین علی صفی، تصحیح: احمد گلچین معانی؛
۱۷. مجله اصول تعلیمات؛
۱۸. مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، دکتر اقبال قاسمی پویا؛
۱۹. معجم مؤلفی الشیعه، علی الفاضل القائینی النجفی؛
۲۰. مفاخر یزد، ویژه عالمان دینی، سید محمدکاظم مدرسی، میرزامحمد کاظمینی؛
۲۱. نامه معانی، بهروز ایمانی؛
۲۲. نگاهی از ساحل به دریا، شرح احوال و آثار استاد احمد گلچین معانی؛
۲۳. یادنامه عالم ربانی مبارز مخلص، دانشمند معظم آیت‌الله آقای حاج سیدمهدی دین‌پرور.

• منابع شفاهی

آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور؛
آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی؛
آیت‌الله سیدعبدالله میری دربندی؛
میرزا علی‌اکبر غفاری؛
حاج سید علی‌اصغر میری دربندی؛
سرکار خانم فاطمه دین‌پرور.
آیت‌الله رضا استادی؛
آیت‌الله نورالله شاه‌آبادی؛
آیت‌الله حبیب‌الله مرزوقی شمیرانی؛
حاج محمود لولاچیان؛
سرکار خانم زهرا دین‌پرور؛
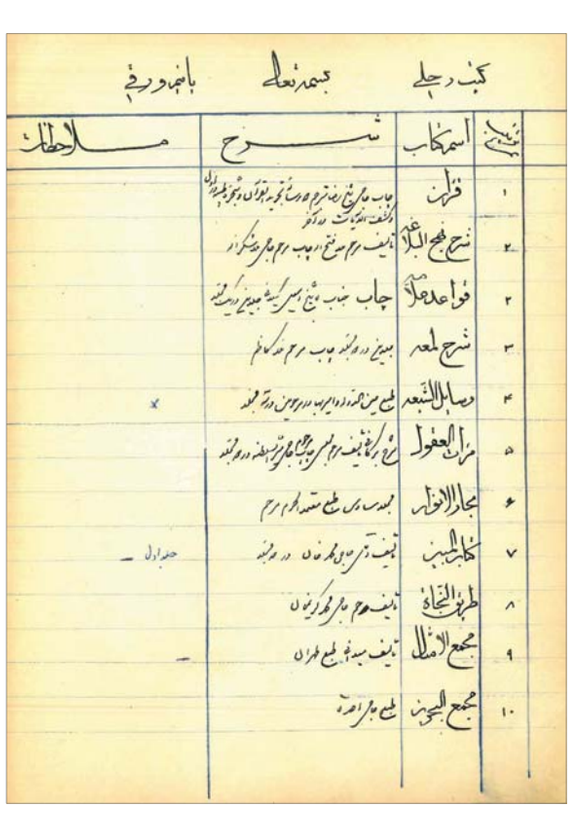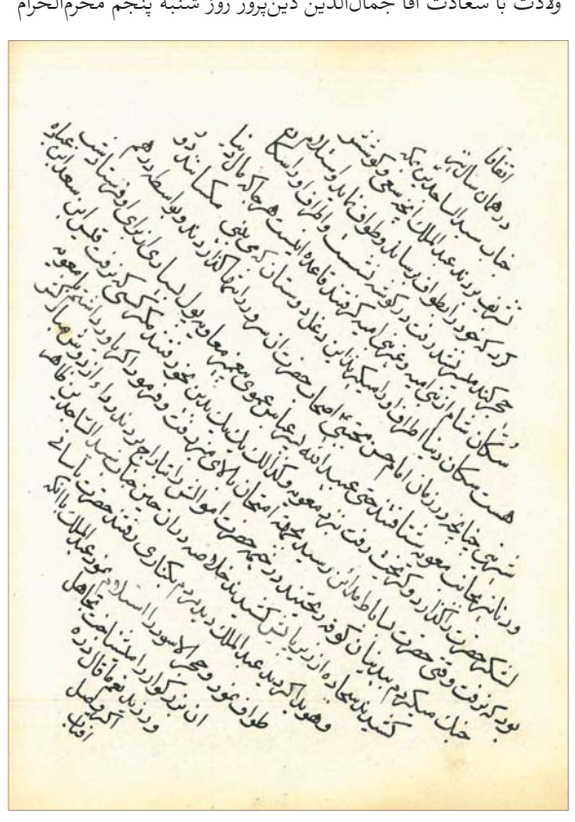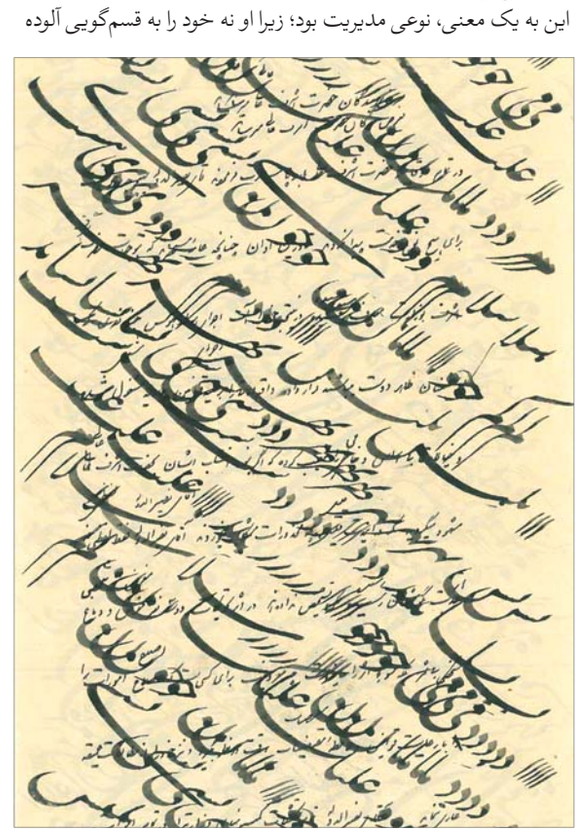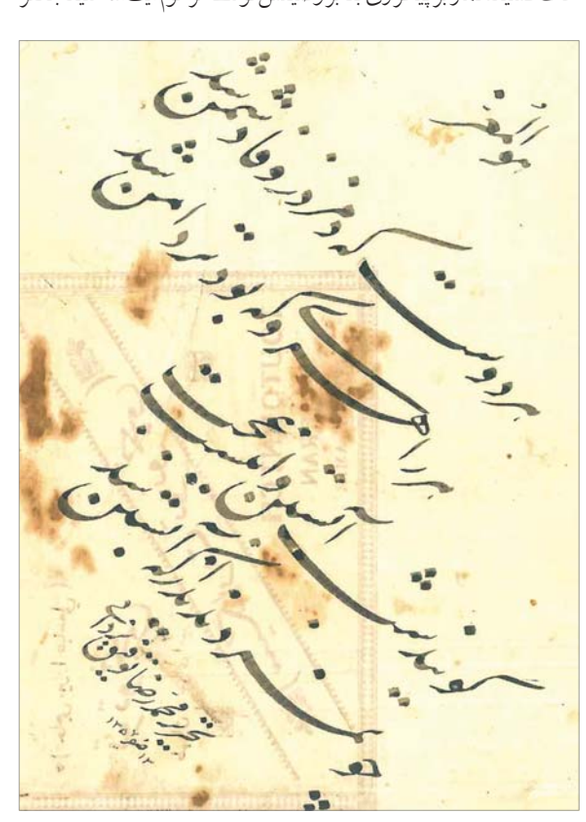
تدوین: حجت‌الاسلام سیدمحسن دین‌پرور